

استاد مجتبی مینوی

« ... بمردن ، خواب رفتن ، خواب رفتن ،
یاحتمل هم خواب دیدن ا
ها ، همین اشکال کار ماست ، زیرا ، اینکه در آن
خواب مرگ و بعد از آن کز چنبر این گیسرودار
بی بقا فارغ شویم
آنکه چه رؤیا ها پدید آید ،
همین باید تأمل را برانگیزد . »

مرگ استاد مینوی بار دیگر مفهوم ژرف و سهمناک سرود
هملت شکسپیر را - که وی بهترین مترجم آن بود - به یادها آورد .
سوگناکی مرگ او تنها از این رو نیست که عزیزی بینظیر از
دست ما رفته بلکه مرگ او در واقع مرگ يك نسل بود . نسلی که
افراد آن پروردگان و پاسداران فرهنگ اصیل و سنتی ایران بودند و
او یکی از آخرین بازماندگان آن محسوب میشد .
اینک که روزگار اختلاط و هم آمیزی فرهنگهای غربی و شرقی
و مردمان ناآگاه میراث مقدس ملی را بفراموشی میسپارند ، دریغ از

نبودن مردی چون مینوی که بامهر و شیفتگی و تعصب، مردانه از این میراث پاسداری میکرد.

مجتبی مینوی در سال ۲۴۶۲ شاهنشاهی (۱۲۸۲ شمسی) در تهران متولد شد و درسه سالگی همراه خانوادهاش به سامره رفت. تحصیلات ابتدائی خود را بروش معمول زمان در آنشهر از مکتب آغاز کرد. در نه سالگی به تهران بازگشت و درمدارس: امانت، اسلام، افتخاریه، سپهر، دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی به تحصیل پرداخت و دوران مطالعات و تحصیلات عالی خود را درلندن گذرانید.

استاد مینوی خدمت فرهنگی خود را با شغل معلمی آغاز کرد و پس ازچندی که همراه پدرش راهی گیلان شد درعدلیه لاهیجان به کار دفترداری پرداخت. پس از مراجعت به تهران تنسد نویس مجلس شورای ملی شد و پس از مدت کوتاهی به خدمت وزارت معارف وارد شده ریاست کتابخانه معارف را که بعد ها کتابخانه ملی شد بعهده گرفت. چندی بعد سرپرستی محصلین ایرانی در پاریس و لندن باو واگذار شد. پس ازبازگشت بایران باردیگر دروزارت معارف بخدمت مشغول گردید. پس ازپنج سال اقامت درایران برای ادامه مطالعات خویش عازم انگلستان شد و سرانجام در سال ۲۵۰۹ شاهنشاهی (۱۳۲۹ شمسی) ازلندن به تهران بازگشت و مشغول تدریس دردانشگاه تهران شد.

وی درفاصله سالهای ۲۵۱۶ - ۲۵۲۰ شاهنشاهی (۱۳۳۶ - ۱۳۴۰ شمسی) ضمن اشتغال دردانشگاه برائزنی فرهنگی سفارت ایران در ترکیه منصوب شد.

استاد مینوی در مدت این مأموریت یکی از مهمترین خدماتش را به فرهنگ و ادب فارسی انجام داد و آن شناساندن گنجینه کتب ایرانی موجود در آن کشور بود. وی نقایس بسیاری را که سالها از نظر اهل ادب دور مانده بود بامساعی خود شناساند. نتیجه تحقیقات و مطالعات او در ترکیه، تهیه تعداد قابل توجهی میکروفیلم از نسخ نفیس ادبیات ایرانی است که اینک در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران حفاظت میشود و بی گمان اغلب کسانی که در سالهای اخیر به چاپ متون فارسی همت گماشته‌اند بگونه‌ای از نتایج خدمات و زحمات وی در این زمینه بهره ور گشته‌اند.

مینوی پس از بازگشت از مأموریت ترکیه همچنان به تدریس و تحقیق در دانشگاه تهران مشغول بود تا در سال ۲۵۲۸ شاهنشاهی (۱۳۴۸ شمسی) بازنشسته شد و آخرین شغل او سرپرستی بنیاد شاهنامه فردوسی بود.

مجتبی مینوی روز چهارشنبه ششم بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ شمسی) چشم از جهان فرو بست.

از استاد مینوی که بحق میتوان او را شخصیتی یگانه و ممتاز در عالم ادب فارسی در عصر ما نامید، آثار مهم و بیشماری بصورت کتاب و مقاله بجای مانده است.

مقالات وی که شماره آنها در حدود ۲۵۰ است در مجلات:

روزگار نو، نیما، مقدم، سخن، تعلیم و تربیت، دانشکده ادبیات تهران، یادگار، فرهنگ ایران زمین، آینده، پانزده گفتار، یادنامه دینشاه ایرانی، آموزش و پرورش، آریانا، راهنمای کتاب، وحید،

دانشکده ادبیات مشهد، مهر، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، نشریه فرهنگ خراسان، سیمرغ و بررسیهای تاریخی بچاپ رسیده است و در زمینه های مختلف از جمله: خاورشناسی، کتاب شناسی، نسخه شناسی، انتقاد کتاب، ادیان و مذاهب، نجوم، مردمشناسی و مباحث اجتماعی، تاریخ، تمدن جدید در ایران، مکاتیب، زبانشناسی، املاء و رسم الخط، دستور زبان، مباحث لغوی، ادبیات، فلسفه اسلامی و سرگذشت رجال میباشد.

از آثار استاد مجتبی مینوی دو فهرست جامع و مبسوط بهمت و کوشش آقای ایرج افشار تهیه و تنظیم گشته است.

فهرست اول حاوی آثار استاد مینوی تا سال ۱۳۴۹ است^۱ و فهرست دوم دربر دارنده تقریباً تمامی نوشته های چاپ شده استاد تا سال ۲۵۳۵ میباشد^۲.

۱- نامه مینوی - زیر نظر حبیب یغمائی، ایرج افشار - با همکاری محمد روشن - تهران - ۱۳۵۰ - ص ۱۵ - ۲۸.

۲- زندگینامه و فهرستنامه مجتبی مینوی - تهیه و تنظیم ایرج افشار - تهران - ۲۵۳۶ - ص ۵ - ۲۲.

(از انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران)